

چرا وارد واردات نمی‌شود؟

دبیر انجمن واردات خودرو گفت: با این سازوکارها بعید می‌دانم به این زودی‌ها واردات خودرو داشته باشیم. از آنجا که با وجود دستور مسئولان مختلف برای آزادسازی واردات خودرو، هنوز اتفاق خاصی نیفتاده است، برخی گمانه‌زنی‌ها حاکی از آن است که دست‌هایی در کار است تا مانع واردات خودرو شود.

آیا می‌توان خودرو سازی با واردات خودرو نمی‌سازند؟

برای رسیدن به جواب پرسش بالا، پاسخ می‌دهم رفتیم به یک شرکت خودروسازی تا با مدیرش به صورت حضوری ملاقات کنیم از او پرسیدیم: آیا واقعا خودروسازها دوست ندارند خودرو وارد شود؟ -ببین! این حرفا همیشه بوده و هست! یه جوری حرف می‌زنن انگار ما لب مرز با اسلحه و ایستادیم که هر کس خواست ماشین وارد کنه، تاثیر بزنیمش. البته برای ما عادی شده، آخه یه زمانی هم می‌گفتن خودروسازها کمتر عرضه می‌کنن تا قیمت بیشتر بشه، در صورتی که این طور نیست و ما خودمون خودروهای تولید خودمون رو سوار نمی‌شیم و اگه بیا این از پنجره پارکینگ هیئت مدیره رونگاه کنیم، می‌بینیم همه مون ماشین‌های خارجی سوار می‌شیم تا بتونیم ماشین‌های داخلی بیشتری به مردم عرضه کنیم.

از پنجره به بیرون نگاه کردیم. محض رضای خدا حتی یک خودروی ساخت داخل هم داخل پارکینگ نبود.

از آنجا وارد یکی از خطوط تولید خودرو شدیم که تعداد زیادی حلب روی هم انباشته شده بود. مدیر خط جلو آمد و گفت: همون طور که می‌بینی، ما خودمون با کمترین امکانات، خودرو می‌سازیم. این حلبای روغن نباتی رو ببینین؛ خدا و کیلی کجای دنیا با اینا خودرو می‌سازن؟! ولی ما داریم می‌سازیم. البته ما شاهدیم که برخی کارشناسای حوزه خودرو از روی عناد و دشمنی می‌گن بدنه ماشین‌های تولیدی ما از حلب روغن هم نازک‌ترن، در صورتی که شما اگه دست بزنین، می‌بینین این طور نیست و ضخامت شون دقیقا ضخامت همین حلب است.

پیش مدیر فروش یک خودرو ساز هم رفتیم و از او هم این سؤال را پرسیدیم که آیا دست‌هایی در کار است تا خودرو وارد نشود؟

ایشان هم در جواب این سؤال امان، بلافاصله دست ما را گرفت و برده بازاری که در آن ماشین خارجی به وفور وجود داشت؛ از ماشین کنترلی‌های ساخت کروچین بگیر تا ماشین‌های شارژی‌های ساخت تایوان و هنگ کنگ! در پایان و هنگامی که خواستیم از بازار اسباب بازی فروش‌ها خارج شویم، ایشان پرسید: هنوز هم فکر می‌کنی اجازه واردات ماشین از خارج داده نمی‌شه؟! آره؟

صفحه ۴

۳۰ مهر ۱۴۰۱

شماره ۵۲

قسمت سوم

فصل جدید

مقایسه تفاوت بین خودرو سازان دنیا

تلفن را برداشتیم و زنگ زدیم به یکی از سهام داران عمده این خودروسازها و پرسیدیم شخص او درباره واردات خودرو چه نظری دارد؟

-ببینین، من یکی با واردات خودرو مشکل ندارم. فقط یه شرط دارم.

+چه شرطی؟

-یه شرط کوچولو! اون هم اینکه فقط پراید اوسمندایی رو که خودمون صادر کردیم، دوباره خودمون وارد کنیم تا این شایعه یه بار برای همیشه جمع بشه که مافیایی وجود داره که مانع واردات خودرو از خارج.

از ۱۸ هم شماره تلفن مدیر یکی از نمایندگان فروش خودرو را گرفتیم. ایشان هم گفت اگر قرار است تنوع و تفاوت از خارج ماشین وارد شود که همین خودروسازهای خودمان تنوع و تفاوت را در محصولات خودشان دارند.

-می‌شه دقیقاً بگین چه تنوع و متفاوت بودن در محصولات شما وجود داره که ما تا حالا متوجه نشدیم؟! +ما حتی در ماشینای با مدل یکسان هم تنوع داریم؛ مثلاً در یکی رو باید محکم ببندی تا بسته بشه، ولی

در اون یکی رو باید یواش ببندی تا بسته بشه. بعضی خودروهای ما کولر ش توی فصل گرما زیاد سرما نداره، ولی در مقابل یه بخاری داره که موقع روشن شدنش دمای داخل ماشین از دمای بیرون سردتر می‌شه و از این لحاظ در دنیا منحصر به فردیم.

وقتی رقابت وارد

در پایان میزگردی تشکیل کردیم و همان اول از مدیر پراید بهره‌می‌بره و آیا این ایشان در جواب گفتند: روی ماشینته؟! گفتیم: اگه احیاناً ماشین موتور ماشین رونبینه.

نام اکبر عبدی را شکل زن‌ها هست که پیرمردهای داخل اتوبوس سن داشته باشند ولی به دست گرمی خوب کشورمان، شکل شده باشند.

اصلاً چرا ترویج می‌شود که جل بدیم، در حالی که تحقیقات باردار ۵۵-۶۰ درصد از وقتش در حالی که باید هر هفته ۱۵۰ متوسط داشته باشند. به امید روزی که همه مثل خود

شخصی فقط مختص مسافران نبوده است و حتی همین راننده‌های اتوبوس که باید الگو باشند برای بقیه مسافرها، بارها وارد حریم شخصی من شدند و بلند داد زدند که چرا من کارت رو نکشیدی؟

البته رسانه‌ها هم مقصرند و فرهنگ استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی را درست گسترش نداده‌اند. مثلاً می‌گویند باید جایمان را به سالمندان بدیم، در حالی که معلوم نیست شخصی که دستش را از میله اتوبوس گرفته، واقعا سالمند باشد. شاید خودش را شکل پیرمردا گریم کرده باشد تا بقیه جایشان را به او بدهند. وقتی گریم توانایی دارد سبیل کلفتی به

دو نفر داخل اتوبوس شرکت واحد جلو من نشسته بودند. یک نفرشان در گالری گوشی‌اش داشت عکس‌های خانوادگی‌اش را که اتفاقاً در چهل پنجاه تایش خوب افتاده بود، نگاه می‌کرد و نفر کناری‌اش یواشکی داشت همان عکس‌ها را می‌دید.

ناراحت شدم که چرا حریم خصوصی در وسایل حمل و نقل عمومی محترم شمرده نمی‌شود. خود من متأسفانه هر مسافری کنار من نشست، علاقه داشت وارد حریم شخصی من شود و بگوید: چرا داری روی صندلی یادگاری می‌نویسی؟! البته این ورود به حریم

بدون فرهنگ

سوار اتوبوس شدن

بدتر از بدون

من کارت سوار شدن!

فرهنگ شهروندی

آینا می‌ریا